

کوتاه شده ای در باره قرار داد ننگین آرمیتاز سمیت

از زمان کودتای ۱۲۹۹ تا زمان نوشتن این گفتار متجاوز از ۸۰ سال میگذرد. در این مدت میلیون ها نفر متولد و درگذشته اند. اگر بتوانیم افراد بیسواد، بی اطلاع و کودکان را از این گروه کم کرده و از بقیه آنان پرسش نماییم چگونه رضا شاه به سلطنت رسید بدون تردید همه یا اکثریت قریب به اتفاق آنان پاسخ خواهند داد که رضا شاه به کمک دولت انگلیس به سلطنت رسید!

به احتمال قوی شما خواننده گرامی نیز به این مطلب یقین دارید! در حالیکه این اعتقاد عمومی بطور کامل بر خلاف واقع میباشد زیرا ما میدانیم از میان وزارتخانه ها و سازمان هائی که مجموعاً دولت انگلیس را تشکیل میدهند، وزارت خارجه بطور علنی و سازمان های دیگر از قبیل انتلیجنت سرویس بطور مخفی طراح و مجری خطوط مشی و برنامه های سیاسی انگلستان در کشور های دیگری بشمار میروند؛ ونیز میدانیم که هر یک از این برنامه های ابتدائیه بررسی و سپس به تصویب سیاستمداران و مقامات مطلع و مجرب در سازمان های ذیربط قرار میگیرد که از هر گونه نقص احتمالی بدور باشد.

همچنین میدانیم که ژنرال آیرون ساید مامور وزارت جنگ انگلستان در ایران (زمان قاجاریه) در بثمر رسیدن کودتای ۱۲۹۹ رضا شاه موثر بوده ولی بطور مستقل و به ابتکار خود و بر خلاف نظر وزارت امور خارجه و دولت انگلستان عمل نموده است. ژنرال آیرون ساید با استفاده از اختیارات تام و کلی که هیئت وزیران بنا به پیشنهاد وزارت جنگ پادشاهی انگلیس و بر خلاف رای وزارت امور خارجه آنکشور به وی داده بود این عمل را خودسرانه انجام میدهد.

بنا براین نه دولت انگلستان، نه وزارت خارجه و نه سازمان های انتلیجنت انگلیس از برنامه کودتای ۱۲۹۹ رضا شاه از قبل مطلع نبوده و لذا نظرکلی مبنی بر کمک دولت انگلیسدر به ثمر رسیدن کودتای رضا شاه منتفی میگردد.

بطوریکه نویسنده کتاب "شناخت مظفرالدین شاه و احمد شاه بر پایه اسناد" شرح داده است هدف آیرون ساید از کودتا بر سر کار آوردن دولتی خارج از گروه اشراف و سیاستمداران فاسد، منفور و بدنام قدیمی بوده است و در مورد رضا خان و قزاقهایی که تحت فرماندهی وی به انجام کودتا مبادرت ورزیدند فقط به چشم ابزاری برای تحقق هدف مزبور نگاه نمیکرده است.

انتصاب رضا خان به فرماندهی قزاقها، توسط آیرون ساید را از یک نظر میتوان به انتصاب نادر قلی افشار توسط شاه طهماسب دوم صفوی به فرماندهی سپاه تشبیه نمود. همانطور که نادر قلی با شجاعت، زیرکی و زرنگی از آن انتصاب برای رسانده خود به پادشاهی استفاده نمود.

رضا خان با این شرط توسط آیرون ساید به فرماندهی گمارده شد که تحت هیچ شرانطی احمد شاه برکنار نگردد و رضا خان به عنوان حافظ و نگهبان احمد شاه و دولت منتخب به فرماندهی قزاق ها ادامه بدهد. هرگز آیرون ساید تصور نمیکرده این شخص چند سال بعد خود را به پادشاهی ایران خواهد رساند.

ابراز نظرات مخالف از طرف انگلستان بعد از موفقیت کودتا و بخصوص پس از به خطر افتادن منافع انگلیس و به زندان افتادن ایادی انگلیس که سال ها برای تربیت و تعلیم آنها زحمت کشیده بود نشان میدهد که دولت انگلستان نه تنها در بقدرت رسیدن رضا خان سردار سپه کوچکترین نقش و دخالتی نداشته بلکه بعداً بطور کامل و عملاً نظر مخالف خود را با این امر ابراز داشته و اقداماتی در خنثی نمودن آن نموده است.

اسناد ومدارکی که نویسنده کتاب "قرارداد بسیار زیانبخش آرمیتاز سمیت از مقدمات تا اجرا" از بایگانی اسناد وزارت امور خارجه انگلستان جمع آوری نموده نشان میدهند ایرانیانی بوده اند که از حقیقت مزبور آگاه بوده اند ولی از این باخبران خبری باز نیامده و اگر خودشان هم در ردیف همان خیانتکاران قرار نداشته اند بدلائیل دیگری صلاح خود را در همرنگی و هم زبانی با جماعت دیده و در اینمورد سکوت کرده اند. شاید اینان از اینکه بر خلاف

جریان آب شنا کنند وحشت داشته اند؛ شاید نگران بوده اند که بلافاصله با تبلیغات شدید فراماسونها و انگلو-اسلامیست ها ی ایران به عنوان نوکر و جیره خوار دربار پهلوی معرفی خواهند شد و از این جهت کسی به مطالعه کتاب ها و نوشتار های آنان رغبت نخواهد نمود بلکه خودشان نیز منفور خواهند شد.

بهرحال به موجب اسناد موجود چون این کودتا مغایر با برنامه های دولت علیه پادشاهی انگلستان و طرح های لُرد کَرَزَن (وزیر خارجه) میبوده از همان لحظه اول وقوع با مخالفت و کارشکنی مبادرت نموده تا این که دولت سید ضیاء الدین (نخست وزیر) را بعد از صد روز ساقط نموده است. بر اساس همان اسناد چون انگلستان کمی پیش از کودتا افراد نظامی خود را از ایران بیرون برده بود با وجود مخالفت شدید با رضا خان هیچگونه وسیله موثری نداشته است تا اینکه او را نیز از راس تنها قدرت و نیروی نظامی و مسلح ایران برکنار سازد.

رضا خان سردار سپه بر خلاف احمد شاه خاتن هرگز تمعدا به انجام خیانت به کشور و در جهت خدمت به انگلستان مبادرت نورزید و هرگز حتی یک لحظه نیز ننگ نوکری و حقوق بگیری از هیچ دولت خارجی را نپذیرفته است.

شاید مادر روزگار هرگز فرزند کسی را که چنین خدمتی به بیگانه بکند؛

قرار داد آرمیتاژ سمیت، تغییرات بسیار مهمی به زبان ایران در قرار داد داریسی بوجود آورده و برای پنهان کردن زبان های آن عنوان "قرار داد تفسیری" که بر آن نهاده شده و ابراز شده که در واقعیت تغییری قرار داد داریسی بوجود نمی آورده است! در قانون اساسی ایران حتی دولت بدون اجازه و تصویب مجلس حق انعقاد قرار دادی شرمگین نظیر آرمیتاژ سمیت و آن همه تغییرات زیانبخش در قرار داد داریسی را نداشته است.

بنا بر این ادعای آرمیتاژ سمیت مبنی بر اینکه از ایران اختیار تام داشته پذیرفته نیست؛ زیرا دولتی که خود اختیاری در مورد واگذاری چنین حقی نداشته نمیتوانسته اختیاراتی به دیگران آنهم به بیگانه ای مانند آقای سمیت داشته باشد. اما دولت های آن زمان به بهانه ضرورت و فوریت خود را محق به انجام میدانسته اند.

دولت استعماری انگلستان همواره با تمام قوا کوشیده که ایران را هرچه بیشتر در ضعف، زبونی، فقر و بیچارگی نگاه دارد و نیز رجال احمق و وطن فروش را بر آن بگمارد تا تسلط خود را حفظ نماید.

برای این کار هیچ زمانی مانند دوران احمدشاه مخصوصا بعد از جنگ جهانی اول برای مقاصد شوم انگلستان مناسب نبوده است. در آن زمان هیچ نخست وزیری مانند سپهدار رشتی نمیتوانسته دولت انگلستان را به فعال مایشاء مبدل سازد.

در آن دوران کشور ایران به جوانی نابالغ ثروتمندی شبیه بوده که جمعی جنایتکار با دادن رشوه به قیم او به بستن دست و پایش توفیق یافته اند. مدتی او را گرسنه، تشنه و دور از ارضاء های شخصی نگاه داشته اند و بعد در مقابل هر لیوان آب و یک لحظه با زن بودن و هر تکه نان او را وادار سازند تا سند املاک و دارائی های خود را به نام آنان بکند!!.

آرمیتاژ سمیت گزارش خود را در زمان سپهدار رشتی به دولت ایران تقدیم کرده است. در حالیکه نتیجه اقدامات قبلی انگلستان ایران را در چنان تنگدستی قرار داده که حتی در مقابل یک میلیون لیره نیمی از کشور را هم میخواستند اند دریغ نمی نموده است! حتی اگر در مقابل تصاحب نیمی از ایران یک لیره هم به ایران نمیدادند جرات اعتراض نداشته است هرچند که اکثریت سیاستمداران و اشرافان آن زمان باستثنای میرزا حسن مستوفی الممالک مانند خود احمد شاه نوکران جیره بگیر انگلستان بوده اند.

سپهدار رشتی احمق تر از آن بوده که اهمیت خیانت های بزرگی را که مرتکب شده را درک نماید؛ به همین دلیل وقتی به او گفته اند آرمیتاژ سمیت شرکت نفت ایران و انگلیس را به پرداخت یک میلیون لیره مجبور! کرده است خوشحال شده و بدفعات از طرف خود و دولت ایران از او تشکر کرده است!!

در حال حاضر هم تمام کشور های استعماری برای اعمال نفوذ در کشور ها عقب افتاده جلوی پیشرفت و صنعتی شدن آنها را میگیرند و ترقی آنها را سد میکنند و یا کسانی را که خدمتگزار مردم هستند را از بین برده و یا با کودتا و انقلاب به نابودی میکشند!

اینکار را با تحریک مردم، تشویق آنها به تمرد، نافرمانی و مخالفت با دولت مرکزی، خرابکاری، انفجار و ترور و به بهانه اینکه ما ترقی می‌خواهیم و علاقه به صنعتی شدن داریم انجام میدهند. اینکار موجب فرار سرمایه های ملی، مغز های متفکر، شکست برنامه های اقتصادی، باز شدن راه نفوذی برای ایادی خائن به مردم و خدمتگزار بیگانگان و بطور کلی ادامه فقر، بدبختی، فحشا، اعتیاد و تسلط قدرت ها غربی میگردد.

آرمیتاژ سمیت با دریافت عنوان تام الاختیار دولت تهران را به مقصد کشور خود انگلستان ترک نموده است. در آن زمان راه آهن بغداد - بصره توسط اعراب مخالف انگلستان! خراب شده بود و با اینکه مسیر اصفهان - شیراز به بوشهر در آن روزگار بسیار نا امن بود ولی از آنجا که آرمیتاژ سمیت به خوبی آگاه بود که عاملان ایجاد آن نا امنی خودی و ایادی آشنا و جیره خوار انگلیس هستند لذا بدون کوچکترین نگرانی از این راه حرکت نموده است.

بطوریکه در گزارش خود اشاره کرده در ۲۸ سپتامبر ۱۹۲۰ به بوشهر و در ۲۵ اکتبر ۱۹۲۰ به لندن رسیده و دو ماه بعد یعنی در تاریخ ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰ قرار داد مورد نظر را بنماینده از طرف دولت ایران!! به امضا رسانده است.

نتیجه مذاکرات آرمیتاژ سمیت با شرکت نفت به یک قرار داد تفسیری منجر گردید که در امتیاز نامه داری تغییراتی به ضرر دولت ایران میداد. از جمله:

- سلب امتیازات، حقوق و منافع ایران
- منافع کشتیرانی انگلیس (شرکت نفتکش) که همه سهامش متعلق به شرکت نفت بوده در سالهای بعد از پرداخت حق الامتیاز معاف شده.
- منافع سایر شرکتهای تابع نیز از پرداخت حق الامتیاز معاف شده اند؛ گرچه از محل ۱۶ درصد متعلق به ایران تاسیس شده بودند.
- از منافع شرکت های تابع متخصص در پالایش و بازار یابی (انگلیسی ها) قبل از احتساب حق الامتیاز مبالغ هنگفتی کسر میشد.
- شرکت های تابع طوری تعریف شدند که فقط شامل شرکت هائی باشد که اکثریت سهام آن در دست شرکت نفت ایران و انگلیس باشد!! (باز هم انگلستان)
- هرگونه اختلاف بین ایران و شرکت نفت بروز کند رای "رئیس انیستیتوی حسابداری انگلیس در لندن!!" قاطع محسوب شود
- تنها در مقابل همه امتیازات بالا و دیگر امتیاز های ریز نویسی دیگر بابت حق الامتیاز ایران در ۵ سال گذشته مبلغ ۸۰۸،۰۰۰ لیره به ایران پرداخت شود. این مبلغ با ۱۹۲،۰۰۰ لیره پرداخت شده به نصرت الدوله ۱،۰۰۰،۰۰۰ بالغ میگردد!
- هرگاه نفت هائی را که شرکت نفت انگلیس و ایران بطور دزدی و بدون حساب و کتاب و مخفی از ایران خارج میکرده ندیده بگیریم.

بموجب اعلام رسمی آن شرکت میزان استخراج نفت در ۵ سال قبل از انعقاد قرار داد ننگین آرمیتاژ سمیت جمعا ۳،۴۷۳،۲۶۲ تن و میزان استخراج در هر سال میلادی منتهی به مارس ۱۹۱۹ بالغ بر ۱،۱۰۶،۴۱۵ تن بوده است. بدین ترتیب بابت هر تن (نه هر بشکه بلکه هر تن) نزدیک به ۴ شیلینگ و ۷ پنس به ایران داده شده است. بعد از انعقاد قرار داد آرمیتاژ مهمترین اقدام انگلیس آن بوده که دولت ایران آنرا بدون سرو صدا و ابراز مخالفت بپذیرد و مفاد آنرا به مرحله اجرا در آورد.

کودتای ۱۲۹۲ به همت رضا خان سردار سپه و پذیرش ابتکاری ژنرال آبرون سایید از همان ابتدا مورد مخالفت وزارت خارجه انگلستان بود. بنا بر این بعد از سقوط دولت کودتا پس از ۱۰۰ روز، احمد قوام السلطنه که یکی از زندانیان کودتا بود در حالی از زندان خلاص شد که به نخست وزیری انتخاب شده بود!! این انتصاب تصادفی نبود بلکه چون وی برادر وثوق الدوله (نخست وزیر رشوه گیر قرار داد ۱۹۱۹) بود؛ انتصاب کنندگان او علیرغم مختصر نافرمانی هایش او را شخصی مناسب برای اجرای مفاد قرار داد ۱۹۱۹ تشخیص داده بودند.

میخواستند او به ۶۰۰،۰۰۰ تومان رشوه ای که برادرش دریافت نموده بود سرپوش بگذارد؛ درحالیکه او میدانست ۶۰۰،۰۰۰ تومان را برادرش و نصرت الدوله با هم دریافت نموده اند. چگونه میتوانست مسئولیت این گناه را خود به تنهایی بعهده بگیرد. لذا لازم دانسته شده که یکی از بستگان نصرت الدوله هم به عنوان وزیر مالیه در کابینه شرکت نماید. هیچ کس جز محمد مصدق برای این کار مناسب تر نبود. زیرا مصدق مدتی نسبتاً طولانی در مقام معاونت وزارت مالیه خدمت کرده و از آنجا که آدم هوسباز و بلند پروازی بود در آرزوی وزارت مالیه روز و شب میکرد؛ گذشته از آن از مقامات انگلیسی بسیار حرف شنوی داشت! علاوه بر آن برادر زن و پسر عمه نصرت الدوله و عضو باند سیاسی - خانوادگی فرمانفرما نیز محسوب میشده است.

بنابر این قوام هنگام معرفی کابینه به احمد شاه مصدق را که در آن زمان بصورت پناهنده در میان ایل بختیاری بسر میبرد به عنوان وزیر مالیه معرفی کرده است.

اما هنگام کودتا فرمانفرما، دو فرزندانش، که یکی همان نصرت الدوله باشد به زندان افتاده بودند. چون عوام و مردم عادی همانطور که در ابتدا آمد کودتا را ساخته و پرداخته انگلستان میدانستند و با موافقت های قبلی انگلیس میبایست از اعیان و رجال خدمتگزار خود مواظبت نمایند بودن اعضای باند فرمانفرما در زندان، اشراف و ایادی آنان را رنجیده خاطر نموده بود.

از جمله نصرت الدوله به فعالیت های ضد انگلیسی دست زده بود که چند ماهی ادامه داشت. مصدق نیز که از اعضای درجه اول این باند فرمانفرما - بود تا زمان برطرف شدن کدورت موجود بین اعضای این باند و دولت انگلیس از عضویت در کابینه قوام السلطنه بعنوان وزیر مالیه خودداری میورزیده است. در این مدت برادر قوام یعنی معتمد السلطنه بعنوان کفیل آن وزارتخانه تعیین گردیده بود.

قوام در ۹ اکتبر ۱۹۲۱ کابینه خود را که مصدق وزیر مالیه میباید را به مجلس معرفی میکند. حدود دو ماه و نیم بعد؛ سهم ایران از بابت نفت بدنال اجرای قرار داد آرمیتاژ سمیت بالغ بر ۵۸۵،۰۰۰ لیره در زمان تصدی مصدق به ایران پرداخت شده که مصدق السلطنه وزیر مالیه هیچگونه اعتراضی به آن نمی نماید! با این ترتیب مصدق با تصدی در وزارت مالیه برای تثبیت و تصویب قرار داد آرمیتاژ سمیت صحنه میگذارد.

یکی از مهارت های مصدق استفاده از احساسات میهن پرستی مردم و یا تحریک علاقه طبیعی آنان به محاکمه و مجازات افراد نادرست و ناپاک و بستن اتهامات واهی، بی اساس و یا حداقل بودن دلیل و مدرک بر مخالفان خود بوده است.

مصدق این کار را برای سرپوش گذاشتن به قصد و نیت های خود و برای گمراه کردن مردم انجام میداده و اذعان می داشته به دلیل اینکه او به مخالفت پرداخته و قصد محاکمه دزدان را داشته و از آنجا که این کشور همه دزد و نادرست و طرفدار افراد فاسد و دزد هستند از این جهت موفق به انجام هدف مقدس! خود نشده است.

میرزا حسن مشیر الدوله که بعد از استعفای وثوق الدوله از نخست وزیری اولین انتصاب وزیر مختار انگلیس جهت جانشینی وی شد و دولت و اعضاء کابینه خود را هم با نظر وزیر مختار انگلیس تعیین نمود؛ اولین سیاستمدار مشهور از دوران قاجار است که پس از رسیدن رضا خان سردار سپه به نخست وزیری از همکاری با وی خودداری نمود و تا پایان عمر گوشه گیری اختیار نمود.

برای آگاهی بیشتر با جزئیات این قرار داد به کتاب "قرارداد بسیار زیانبخش آرمیتاژ سمیت از مقدمات تا اجرا" نگارش آقای مهدی شمشیری مراجعه نمایید.

کوتاه شده: آوریل ۴ ۲۰۰۴

ح-ک